

"اگر گزارش دهی را متوقف نکنید فامیل تانرا از بین خواهیم برد"

تهدیدات نسبت به آزادی رسانه ها در افغانستان

خلاصه گزارش

دوشب پس از چاپ شدن مقاله ام، زمانی که من به طرف خانه میرفتم چندین مرد سوار بر موتر سائیکل به من نزدیک شده و شروع به لت و کوب من کردند... آنان با قنداق تگفچه به صورت و دستان من کوبیدند... من میتوانیستم کسانی را که در لت و کوب من دخیل بودند شناسایی کنم. ولی متأسفانه، پولیسو مقامات حکومت محلی... هیچ کمکی به من نکردند. تهدیدات بیشتری از طرف افراد مذکور دریافت کردم. آنان به من گفتند که: "این کار برای تان سنگین تمام خواهد شد؛ اگر شهر مزار را ترک نکنید، ممکن است به قیمت زندگی تان تمام شود."

گفته های یکی از ژورنالیستان به نام مختار عطایی، نوامبر 2014

رشد چشم گیر رسانه ها در افغانستان یکی از مهم ترین دستاوردهای مربوط به بازسازی این کشور پس از سال 2001 میباشد. افغانستان در سال 2001 دارای تعدادی انگشت شماری از رسانه های چاپی بوده و به معنای واقعی کلمه، هیچ رسانه ای سمعی و بصری در آن وجود نداشت. ولی در حال حاضر، افغانستان دارای صدها روزنامه، دستگاه های نشراتی تلویزیون و رادیو و رسانه های انترنیتی و آنلاین میباشد. رسانه های جدید به طور فزاینده ای در زندگی عمومی افغانها نقش بازی میکنند. که از جمله میتوان از تسهیل مناظرات و شکل دهی افکار عامه توسط رسانه ها در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال 2014 نامبرد.

ولی با خروج اکثریت نیروهای نظامی خارجی از افغانستان و کاهش فزاینده کمک دونهای خارجی به این کشور، آزادی بیانی که باعث رشد فزاینده رسانه ها گردید، با تهدید و خطر مواجه شده است. ژورنالیستان افغان به دیده بان حقوق بشر گفتند که آزادی رسانه ها با افزایش تهدید و خشونت از جانب عناصر دولتی و غیر دولتی، فقدان حمایت دولتی از رسانه ها، و کاهش حمایت های بین المللی ممکن است "سیر تنزلی" را پیموده و رو به کاهش باشد. مهم تر اینکه، ناتوانی حکومت در حمایت از آزادی رسانه ها، فقدان تحقیق کامل موارد تهدید و حمله بر کارمندان رسانه ای و تحت تعقیب قرار دادن عاملین آن، به گفته ژورنالیستان، به کسانی که میخواهند صدای رسانه ها را خاموش سازند، جرأت بیشتری بخشیده است.

ژورنالیستان افغان از تمام جوانب با تهدید مواجه میباشند: از یکطرف، مقامات دولتی از موجودیت روند حمایت حقوقی ضعیف از خبرنگاران و مسئولین رسانه ها سوء استفاده نموده و آنان را وادار می سازند تا از تهیه گزارش در مورد موضوعات جنجال بر انگیز

خود داری نمایند و از جانب دیگر، طالبان و سایر گروه های شورشی مسلح با استفاده از تهدید و خشونت، خبرنگاران را مجبور می سازند تا گزارش های شانرا به نفع آنان تهیه و نشر نمایند. مقامات پولیس و ارگانه های عدلی و قضایی نیز از تحقیق، بررسی و تعقیب موارد تهدید و تجاوز بر علیه خبرنگاران و حتی قتل آنان، خود داری میکنند. اکثر تهدیدات از جانب افرادی منسوب به مقامات قدرتمند دولتی و یا بازیگران محلی بانفوذ به شمول رهبران گروه های شبه نظامی و افراد معروف به جنگسالار متوجه خبرنگاران میگردد.

عدم تحقیق و بررسی حملات خشونت آمیز بر علیه خبرنگاران و فقدان محاکمه و مجازات عاملین آنانعکاس دهنده میزان وسیع تری از فرهنگ معافیت بوده و نشان دهنده ناکامی تلاش ها در راستای حاکمیت قانون در افغانستان میباشد. خبرنگاران افغان اغلباً از طریق خود-سانسوری نسبت به تهدیدات موجود عکس العمل نشان میدهند. اکثر خبرنگاران از تهی ه گزارش در مورد موضوعات حساسیت برانگیز – به شمول فساد اداری، غصب زمین، خشونت علیه زنان، و موارد نقض حقوق بشر – به منظور کاهش تهدیدات امنیتی، خود داری میکنند.

مسئولین رسانه ها در کابل اغلباً از توظیف خبرنگاران در تهیه گزارشهایی که ممکن است خبرنگاران را در معرض خطر قرار دهند، خود داری میکنند. مسئولین رسانه ها و خبرنگاران به دیده بان حقوق بشر گفتند که خود-سانسوری برای آنان میکانیزمی است جهت جلوگیری از تهدیدات امنیتی نسبت به زندگی شان. خبرنگاران که در خارج از شهرهای عمده کشور فعالیت میکنند به طور خاص، نسبت به انتقام گیریهای افراد و گروه های زورمند آسیب پذیر میباشند. چون آنان بیشتر در معرض تهدید قرار دارند. طوریکه آنان فاقد حمایت های تامین شده توسط رسانه های کلانتر و حضور جامعه بین المللی میباشند. سنت گرایی فرهنگی و اجتماعی ولایات نیز به مشکلات گزارش دهی در مورد مسایل حساسیت برانگیز در خارج از پایتخت کمک میکند.

طالبان و سایر گروه های شورشی مسلح همچنان به عنوان یک منبع بالقوه تهدید و خشونت در برابر خبرنگاران و رسانه ها وجود دارند. زمانیکه گروه های شورشی برای اولین بار در سال 2002 آغاز به فعالیت کردند، خبرنگاران به صفت اهداف اولیه آنان مورد حمله قرار گرفتند. چون گروه های شورشی خبرنگاران را به عنوان بخشی از حکومت افغانستان ویا نیروهای خارجی غربی تلقی میکردند. بهر حال، در جریان سالهای اخیر، طالبان و سایر گروه های شورشی از رسانه ها به عنوان ابزار تبلیغاتی استفاده نمود و به شکل فعال به رسانه ها در کمپاین های تبلیغاتی شان بر علیه دولت تمسک جسته اند. گروه های شورشی در مواردی با استفاده از تهدید و خشونت، بر خبرنگاران فشار وارد نموده اند تا اعلامیه های شانرا نشر و از نشر گزارشهای حساسیت برانگیز نسبت به آنان خود داری کنند.

خبرنگاران زن در افغانستان با چالشهای خاصی مواجه میباشند. آنان علاوه بر تهدیدات که متوجه تمام خبرنگاران میباشند، باید با محدودیت های اجتماعی و فرهنگی ناشی از مسایل جنسیتی حاکم در محیط کاری که منجر به محدودیت کاری شان در ساحات شهری و روستایی میگردد نیز کنار بیایند. این مسئله میزان آسیب پذیر بودن خبرنگاران زن نسبت به خشونت های جنسی را افزایش میدهد. عوامل فوق نه تنها خود-سانسوری در میان

خبرنگاران را تشویق نموده بلکه باعث میشود تا اکثر زنان نسبت به حرفه خبرنگاری بی علاقه گردند.

فقدان میکانیزم رسیدگی به شکایات و ناکامی دولت در رعایت و تطبیق قوانین و مقررات مربوط به رسانه های جمعی به عنوان یک مانع جدی در قبال آزادی رسانه ها برجای خود باقی است. قانون رسانه های جمعی افغانستان که در سال 2009 میلادی تصویب گردید، هیچ نوع حمایت صریحی را برای خبرنگاران فراهم نمی سازد. در حال حاضر، مقامات دولتی هیچ مسئولیتی نسبت به ارایه معلومات برای عموم نداشته و درک کمتری از نقش رسانه ها دارند. مقررات بین المللی حقوق بشر، به طور خاص ماده 19 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی از حقوق مربوط به آزادی بیان و آزادی رسانه ها حمایت نموده و حدود آزادی های مذکور را مشخص میکنند. طبق مقررات بین المللی، محدودیت های قانونی ممکن است به دلیل حمایت از حقوق و آزادی های دیگران از طریق تصویب قوانین مبارزه با توهین و تحقیر اشخاص در تناسب با صدمات وارد شده بر اشخاص که توهین میگردند، بر رسانه های ه مگانی وضع و تحمیل گردند. مسئولین رسانه ها باید در قبال چیزی که نشر میکنند پاسخگو باشند – ولی این پاسخگویی در قبال مخاطبین آنان، مردم، کارفرمایان و انجمن های مستقل رسانه ای میباشد – نه در مقابل حکومت.

در حالیکه قانون رسانه های همگانی 2009 دارای احکامی است که طبق آن باید یک پروسه رسیدگی به شکایات از طریق "کمیسیون رسیدگی به شکایات رسانه های همگانی" ایجاد شده و در کمیسیون مذکور افراد واجد شرایط خبرنگاری استخدام و همچنین ارگان دیگری تحت عنوان "شورای عالی رسانه ها" ایجاد شود که کمیسیون رسیدگی به شکایات موظف است تا گزارش کاری خویش را به این شورا ارایه نماید، ولی الی آغاز سال 2015 میلادی هیچ یک از ارگانهای فوق الذکر فعال نگردیده است. در عوض، ارگان دیگری تحت نام "کمیسیون رسیدگی به تخطی های رسانه ای" که عمدتاً روی شکایات مقامات دولتی از خبرنگاران تمرکز دارد، همچنان به فعالیت های خویش ادامه داده و روند سانسور سازی را به جای آزادی رسانه ها تقویت میکند. افراد زرومند اغلباً کمیسیون رسیدگی به تخطی های رسانه ای را نادیده گرفته و از طریق مراجعه مستقیم به لوی حارنوالی خواهان انجام تحقیقات جزایی در مقابل خبرنگارانی میگردند که گزارشات شان مطابق میل افراد مذکور نمی باشند.

وزارت اطلاعات و فرهنگ نیز به سهم خویش به صفت ابزار تهدید رسانه ها عمل نموده و وزیر اطلاعات و فرهنگ اغلباً از خبرنگاران خواسته است تا در قبال نوشتن گزارشات نقد کننده عملکرد دولت و افراد زورمند دولتی، از افراد مذکور "معذرت خواهی" نمایند. وزارت اطلاعات و فرهنگ اغلباً موارد تهدید، تجاوز ویا حتی حملات فیزیکی انجام شده توسط مقامات دولتی بر علیه خبرنگاران را نادیده میگیرند.

بخشی از احکام قانون رسانه های همگانی که روند تهیه گزارش، مقاله و سایر نوشته های تفریحی و سرگرم کننده را به دلایل فرهنگی، یا "اخلاقی" محدود میسازند، نیز نقشی را در راستایی محدودیت آزادی بیان ایفا میکند. از جانب دیگر، خبرنگاران افغان و مسئولین رسانه ها در قبال اتهامات وارد شده مبنی بر قوانین مبهم و غیر صریح "ارتداد" برای نشر گزارشات که از نظر مقامات دینی مخالف اسلام میباشد، نیز آسیب پذیر هستند.

قانون اساسی افغانستان و همچنین مقررات بین المللی آزادی بیان به شمول آزادی رسانه ها را تضمین میکنند. دستاوردهای شکننده مربوط به آزادی رسانه ها که از سال 2001 بدینسو در افغانستان بوجود آمده است، صرفاً زمانی ماندگار خواهند بود که دولت افغانستان با همکاری دراز مدت کشورهای دهنر اقدامات عاجلی را به منظور پایان دادن به تهدیدات و خشونت ها بر علیه خبرنگاران افغان و سازمان های رسانه ای، روی دست گیرند. رهبری یک امری حیاتی است. جهت حصول اطمینان از اینکه سکتور رسانه ای افغانستان همچنان به انکشاف خویش ادامه داده و به شکل انتخابی و ادار به سکوت نمیگردند، اداره جدید رئیس جمهور غنی و عبدالله عبدالله باید حمایت شانرا از آزادی رسانه ها به شکل علنی اعلام داشته و ارگانهای ذیربط دولتی را تحت فشار قرار دهند تا اقدامات جدی لازم را بر علیه عناصر تضعیف کننده آزادی رسانه ها روی دست گیرند.

پیشنهادهای کلیدی

به دولت افغانستان

- تمام حملات صورت گرفته بر علیه خبرنگاران و سازمانهای رسانه ای را به شکل آشکارا محکوم نماید.
- علناً به وزارت امور داخله هدایت دهد تا به شکل فوری، با جدیت تمام و به شکل مناسب تمام حملات صورت گرفته بر علیه خبرنگاران را مورد تحقیق و پیگرد قرار داده اطمینان حاصل نماید که تمام مقامات، منسوبین پولیس، نیروهای امنیتی و یا سایر عاملین بد رفتاری، خشونت، و یا تجاوز بر علیه خبرنگاران تادیب گردیده و یا تحت تعقیب عدلی قرار میگیرند.
- به لوی خاڼوالی هدایت دهد تا دستور تحقیق فوری، بیطرفانه و کامل تمام حملات صورت گرفته بر علیه خبرنگاران و سازمانهای رسانه ای را صادر نموده و عاملین آنها را به شکل مناسب تعقیب و مجازات نماید.
- قانون دسترسی به معلومات و همچنین قانون رسانه های همگانی 2009 را به شکل کامل تطبیق نماید. مخصوصاً آنکه از احکام قانون رسانه های همگانی را که کمیسیون رسیدگی به تخطی های رسانه ای را ملغی و بجای آن کمیسیون رسانه های همگانی را معرفی مینماید. کمیسیون رسانه های همگانی باید در مشورت با خبرنگاران افغان، سازمان های رسانه ای، و گروه های ناظر بر فعالیت های رسانه ها با ارایه تضمینات کافی مبنی بر حمایت از استقلال کمیسیون مذکور، ایجاد گردد.

به ایالات متحده امریکا، اتحادیه اروپا و کشورهای عضو این اتحادیه، و سایر کشورهای کمک کننده

- حکومت افغانستان را ترعیب نماید تا اقدامات فوری لازم را برای حمایت از خبرنگاران و سازمانهای رسانه ای روی دست گیرد. که این اقدامات شامل تحقیق جدی تهدیدات و حملات صورت گرفته بر علیه خبرنگاران و محاکمه و مجازات عاملین این نوع حملات و همچنین تطبیق کامل قانون دسترسی به اطلاعات و قانون رسانه های همگانی سال 2009 میلادی مخصوصاً آنکه از احکام

قانون اخیر که ایجاد یک کمیسیون رسانه های همگانی و شورای عالی رسانه ها را پیش بینی میکند، نیز میگردد.

- کورسهای آموزشی مربوط به رعایت آزادی بیان و رسانه ها را در چوکات برنامه های آموزشی منسوبین پولیس شامل سازید.
- حمایت های درازمدت نهادی را جهت کمک به سازمانهای رسانه ای و خبری مستقل به منظور خودکفایی آنان فراهم سازید.

به طالبان و سایر گروه های شوری

- حمله بر افراد ملکی به شمول خبرنگاران، رسانه های داخلی و خارجی و همچنین دفاتر آنها را متوقف سازید.
- از اختطاف، توقیف و تهدید خبرنگاران و مسئولین رسانه ها در هر شکلی که صورت میگیرد، خود داری نمایید.
- گروپ ها و یا اعضای گروه های شورشی ای را که بر رسانه ها حمله میکنند به شکل علنی محکوم نمایید.